

## نقش اینترنت در توسعه سیاسی

دکتر سید وحید عقیلی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران  
علی جعفری، دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده و عهده‌دار مکاتبات)  
jafariyvan@gmail.com

### چکیده

دستیابی به توسعه‌ی سیاسی یعنی فرایندی که در جریان آن نظام‌های ساده‌ی اقتدارگرای سیاسی جای خود را به نظام‌های حق رأی همگانی، احزاب سیاسی و بروکراسی‌های مدنی می‌دهند، نیازمند آگاهی و حرکت عمومی شهروندان از یک سو و پذیرش اراده‌ی حاکمان از سوی دیگر است. امروزه برای دستیابی به توسعه سیاسی استفاده از وسایل ارتباط جمعی شرط لازم می‌باشد، زیرا وسایل ارتباط جمعی از زمان پیدایش، تاثیرات شگرفی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی جوامع به جا گذاشته‌اند. سوالی که در این مقاله در پی پاسخگویی به آن هستیم، این است که اصولاً در خصوص تحقق دستیابی به توسعه سیاسی، اینترنت چه جایگاهی دارد؟ به عبارت دیگر آیا ارتباطات رایانه‌ای در اینترنت می‌تواند زمینه توسعه سیاسی را فراهم سازد؟ از مجموع مباحث ارائه شده می‌توان دریافت که اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه‌جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسور گریزی، فضای مناسبی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت که اینترنت بستری مناسب برای گسترش توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی است، و رسانه‌های نوین مهارت‌ها و عوامل تازه‌ای را در مبارزات سیاسی وارد کرده‌اند.

**واژگان کلیدی:** تکنولوژی‌های نوین، اینترنت، توسعه سیاسی، مشارکت، ارتباطات

## مقدمه

توسعه‌ی سیاسی مفهومی پر مجادله در عرصه نظری و شاید دور از دسترس عمل اجتماعی است. پشت سر گذاردن دروازه‌های توسعه سیاسی و برپایی جامعه توسعه یافته‌ی سیاسی در هر کشوری، مستلزم عبور دشوار و گاهی پرمخاطره از یک دوران گذار سیاسی است که اگر بیش از حد طولانی شود، احتمال بازگشت به عقب افزون تر می‌شود. دستیابی به توسعه‌ی سیاسی یعنی فرایندی که در جریان آن نظام‌های ساده‌ی اقتدارگرای سیاسی جای خود را به نظام‌های حق رأی همگانی، احزاب سیاسی و بوروکراسی‌های مدنی می‌دهند، نیازمند آگاهی و حرکت عمومی شهروندان از یک سو و پذیرش اراده‌ی حاکمان از سوی دیگر است. امروزه برای دست یابی به توسعه سیاسی استفاده از وسایل ارتباط جمعی شرط لازم می‌باشد، زیرا وسایل ارتباط جمعی از زمان پیدایش، تأثیرات شگرفی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی جوامع به جا گذاشته‌اند. در این میان اینترنت نیز دارای نقش غیر قابل انکاری در زمینه توسعه سیاسی می‌باشد.

در طی آخرین دهه قرن بیستم، همراه با توسعه و تکامل فوق العاده سریع ارتباطات رایانه‌ای و گسترش روزافزون دسترسی مردم جوامع مختلف به اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای، کوشش‌های نظری بسیاری صرف یافتن الگوهای مناسب برای مطالعه اینترنت و ابعاد و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن گردید.

سوالی که می‌توان مطرح کرد این است که اصولاً در خصوص تحقق دستیابی به توسعه سیاسی، اینترنت چه جایگاهی دارد؟ به عبارت دیگر در طی دو دهه اخیر همراه با توسعه و تکامل سریع «ارتباطات رایانه‌ای» (Computer Mediated Communications (CMC)) در جهان و گسترش روزافزون دسترسی ملت‌ها به اینترنت و شبکه‌های رایانه‌ای، پژوهشگران حوزه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا ارتباطات رایانه‌ای در اینترنت می‌تواند زمینه توسعه سیاسی را فراهم سازد؟

در این پژوهش ادعا این است که اینترنت در توسعه سیاسی نقش قابل توجهی دارد. تأیید تأثیر اینترنت در تقویت برخی از ارزش‌های سیاسی، نشان می‌دهد که چشم انداز نوینی در عرصه نظریه‌پردازی ارتباطات به وجود آمده است.

## مفهوم توسعه سیاسی

مفهوم توسعه سیاسی از زمان پیدایش اولین دیدگاهها در مورد آن از اواخر دهه ۱۹۵۰ تا به امروز به صورت مختلف تعریف شده است. هر یک از مفاهیم ارائه شده در مقاطع زمانی با تأکید بر یک سری از ویژگی‌ها و ابعاد بوده که متاثر از شرایط اجتماعی - سیاسی جهان و تغییرات بوجود آمده است.

توسعه سیاسی مفهومی پر مجادله در عرصه نظری و شاید دور از دسترس عمل اجتماعی است. پشت سر گذاردن دروازه‌های توسعه سیاسی و برپایی جامعه توسعه یافته‌ی سیاسی در هر کشوری، مستلزم عبور دشوار و گاهی پرمخاطره از یک دوران گذار سیاسی است که اگر بیش از حد طولانی شود، احتمال بازگشت به عقب افزون تر می‌شود. دستیابی به توسعه‌ی سیاسی یعنی فرایندی که در جریان آن نظام‌های ساده‌ی اقتدارگرای سیاسی جای خود را به نظام‌های حق رأی همگانی، احزاب سیاسی، کنگدی و بروکراسی‌های مدنی می‌دهند، نیازمند آگاهی و حرکت عمومی شهروندان از یک سو و پذیرش اراده‌ی حاکمان از سوی دیگر است.

اصولاً مباحث توسعه سیاسی به حدود نیم قرن قبل برمی‌شود، یعنی دوره‌ای که جریان فکری نوسازی، حاکمیت و نمود پیدا کرد. توسعه، نوسازی، تحول تاریخی، ترقی، پیشرفت و تکامل و... مدل‌هایی‌اند که بر یک دال دلالت می‌کنند، یعنی دگرگونی در جهت بهینه شدن دائمی وضع موجود.

علیرغم آنکه در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ به ابعاد اقتصادی توسعه سیاسی توجه می‌شد ولی از اواخر دهه ۱۹۶۰ محققین علوم سیاسی به پارامترهای اجتماعی و سیاسی بیش از عوامل و شاخص‌های اقتصادی اهمیت می‌دادند. در مراحل بعد، توسعه سیاسی به نحوی با مقوله‌ی فرهنگ سیاسی گره خورد زیرا گروهی از دانشمندان بر این نظر بودند

که چنانچه از طریق تجزیه و تحلیل فرهنگ سیاسی جوامع بتوان به متغیرهایی دست یافت که این عناصر را در جهت بهره‌گیری از توانایی‌های نظام برای پاسخگویی بیشتر نسبت به نیازهای جامعه به کار انداخت می‌توان به تحقق توسعه سیاسی مطلوب امیدوار بود.

در شناخت و تعریف توسعه سیاسی، شاخص‌هایی همچون تفکیک و افتراق، شهری شدن، گسترش گروه‌های میانی، تمایز هویتی، گسترش گروه‌های اجتماعی، گسترش نهادهای سیاسی غیردولتی، نهادینه و پیچیده شدن ساختار سیاسی، عقلانی شدن نظام دیوانسالاری، گسترش و کارآمدی دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت از قبیل آموزش و پرورش - رسانه‌ها - نهادهای مذهبی و حقوقی، تمرکز زدایی، پیدایش فرهنگ سیاسی همگن، گسترش نمادهای مشترک سیاسی به عنوان «زبان در ارتباط» گسترش فرهنگ تساهل و مداوای سیاسی، افسون‌زدایی، غیر تابویی شدن دولت و سیاست، تعمیم سیاست و اجتماعی شدن آن، شکسته شدن پوسته خرده فرهنگ‌های سیاسی به نفع نظم فرهنگی فراگیر، غیرشخصی شدن سیاست، هم‌عرضی قدرت سیاسی با سایر قدرت‌ها در انظار عمومی و از دست رفتن مطلوبیت فی نفسه آن، گسترش احساس «دولت دار بودن» و اعتماد به بالا در جامعه سیاسی به عنوان منشأ مشروعیت عدالت و جامعه‌پذیری و توانایی برای پذیرش مشارکت‌ها، به تمامی مؤید معانی مختلف این مفهومند.

گسترش سوادآموزی، آموزش و پرورش و رسانه‌ها در معدودی از کشورها مستقیماً با سیاسی شدن هویت و رشد تفکر ناسیونالیستی ارتباط داشته است. پس از سیاسی شدن هویت و رشد تفکر ناسیونالیستی، انگاره‌های ناسیونالیستی در میان روشنفکران تمام نقاط جهان گسترش یافت و حتی به آن دسته از کشورهایی که میزان مشارکت سیاسی مردم در آنها بسیار محدود بود نیز سرایت کرد. هر جا که ارتباطات بهبود یافت شرایط سیاسی مناسب فراهم شد. بسط سواد آموزش و پرورش، موجب شد دیوانسالاری سنتی رشد کند و به نهاد کاملاً مدرنی که تا حدودی از جامعه‌شناسی ماکس وبر ملهم بود، تبدیل شود. از دیدگاه "لوسین پای" و "سیدنی وربا" در تحول مفهوم توسعه سیاسی تعاریف حول سه محور می‌چرخند که عبارتند از: «مردم، نظام و سازمان حکومت». "لوسین پای" توسعه سیاسی در هر جامعه‌ای را به معنای عبور موفقیت‌آمیز از بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ، توزیع و همگرایی می‌داند. دکتر "حسین بشریه" سه عامل مهم را به عنوان موانع توسعه سیاسی برمی‌شمرد. این سه عامل عبارت‌اند از: کنترل متمرکز بر منابع قدرت سیاسی، فرهنگ سیاسی رقابت ستیز و چند پارگی‌های جامعه سیاسی.

ساموئل هانتینگتون: توسعه سیاسی عبارتست از آفرینش نهادهای سیاسی دارای ویژگی‌های؛ پیچیدگی، استقلال و انسجام برای جذب و تنظیم مشارکت گروه‌های جدید و ترویج تغییر اجتماعی و اقتصادی در جامعه. به عقیده او مسأله اساسی سیاست، لنگ لنگان رفتن توسعه نهادهای سیاسی به دنبال توسعه اجتماعی و اقتصادی است. (امین زاده ۱۳۷۶، ص ۱۱۰)

به زعم ایزنستات (۱۹۶۴)، مشخصه مهم تحول و توسعه سیاسی تغییر پذیری حمایت و پشتیبانی سیاسی مردم و فقدان اتحاد قدرت سیاسی ناشی از وابستگی‌های سنتی است. در یک جامعه از لحاظ سیاسی متحول و توسعه یافته، حکمرانان برای حفظ مقام و حق حکومت، همواره بسیج حمایت و پشتیبانی بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم نیاز دارند. (علاقه بند، ۱۳۷۱، ص ۱۲۲)

«لوسین پای» لازمه توسعه سیاسی را توسعه اداری و قانونی می‌داند و آن را مترادف نوسازی سیاسی و تجهیز توده مردم عنوان کرده و مشارکت را لازمه توسعه سیاسی می‌داند.

وی در مجموع افزایش ظرفیت نظام را در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می‌پندارد.

جیمز مک‌مکن: افزایش کیفی ظرفیت سیاسی نظام را در تعریف خود مورد تأکید قرار می‌دهد. به نظر وی توسعه سیاسی دستیابی به موقعیتی است که در آن یک نظام سیاسی به جستجوی آگاهانه و موفقیت‌آمیز برای افزوده شدن کیفی ظرفیت سیاسی خود از طریق ابعاد نهادهای موثر و موفق نایل آید.

## مشارکت سیاسی

مفهوم مشارکت سیاسی به معنای شرکت دادن کلیه اعضای جامعه در استقرار و اداره امور نظام سیاسی است، اشکال مختلف مشارکت سیاسی به صورت شرکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی، انتخاب حکومت شوندگان از طریق رای دادن و شرکت در انتخابات تجلی می‌یابد.

مشارکت سیاسی، دخالت فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی است که از عدم دخالت و وارد شدن، تا به دست آوردن یک منصب سیاسی را شامل می‌شود (راش، ۱۹۹۲، ص ۱۱۰). "مایکل راش" (Michael Rush) در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را "فعالیت داوطلبانه‌ی اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست‌گذاری عمومی" می‌داند (دایره‌المعارف علوم اجتماعی، ۱۹۶۳، ص ۱۹). در مواردی، مشارکت سیاسی فقط از طریق رأی دادن تحقق می‌یابد، لیکن در بسیاری موارد، بعضی قناعت می‌کنند و در تبلیغات سیاسی، یا شرکت در احزاب، ایفای نقش می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۵۲۲). نظریه‌های مهم در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، هر یک به گونه‌ای خاص با مفهوم مشارکت برخورد می‌کنند. مثلاً نظریه‌نخبگان، مشارکت سیاسی را به نخبگان محدود می‌کند و برای توده‌ها نوعی بی‌فعالیتی یا تأثیر از دستکاری‌های نخبگان قائل است. اما از دیدگاه کثرت‌گرایان، مشارکت سیاسی یک رفتار سیاسی مهم در تبیین توزیع قدرت و تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری تلقی می‌شود (راش، ۱۹۹۲، ص ۱۱۰).

اساس مشارکت در چهار عامل قرار دارد: محرک‌های سیاسی، جایگاه اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و فضای سیاسی. هر چه فرد بیشتر در معرض محرک‌های سیاسی از قبیل بحث درباره سیاست، تعلق به سازمان سیاسی و داشتن اطلاعات، قرار گیرد، مشارکت بیشتری در مسائل سیاسی دارد. فرد هر اندازه اجتماعی‌تر، سلطه‌جوتر و برون‌گرا تر باشد، بیشتر مشارکت می‌کند. جایگاه اجتماعی از قبیل سطح تحصیلات، محل اقامت، طبقه و قومیت نیز در فرایند مشارکت تأثیر چشمگیری دارند. محیط و فضای سیاسی نیز حائز اهمیت است، زیرا فرهنگ سیاسی می‌تواند مشارکت یا عدم مشارکت را تشویق کند (راش، ۱۹۹۲، ص ۱۱۶).

## اینترنت

سابقه راه اندازی اینترنت به شبکه دیگری به نام آرپانت برمی‌گردد که در سال ۱۹۶۹ م توسط آژانس پژوهش‌های تحقیقاتی پیشرفته در وزارت دفاع آمریکا راه اندازی شد.

شبکه جهانی اینترنت، یکی از مهم‌ترین نوآوری‌هایی است که بعضی از نظریه‌پردازان برای تأکید بر اهمیت آن، تأثیرات این بزرگراه عظیم اطلاعاتی را مشابه با تأثیرات اختراع چاپ بر زندگی انسان‌ها ذکر کرده‌اند (محسنی، ۱۳۸۰، ص ۲۰). توسعه جوامع به ویژه جوامعی که جهان سوم، پیرامونی و توسعه نیافته نامیده شده‌اند، یکی از مقولات مهمی است که اینترنت در کند شدن یا تسریع آن تأثیر اجتناب ناپذیری دارد.

اینترنت منتقل‌کننده‌ی میلیون‌ها پیام است؛ پیام‌هایی که بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و هویت فرهنگی کاربران آن در سطح خرد و بر نظام فرهنگی و سیاسی در سطح کلان تأثیر می‌گذارد.

فضای آزاد اینترنتی، محل حضور میلیون‌ها کنشگر اینترنتی است که می‌توانند با تفسیرهای نمادین در اینترنت: (۱) به کنش فردی و جمعی متقابل بپردازند (۲) در اجتماعات مجازی حضور سایبری داشته باشند (۳) گروه مجازی تشکیل بدهند (۴) با افراد دیگری که از اینترنت استفاده می‌کنند، به بحث آزاد در مورد موضوعات گوناگون بپردازند و در نهایت، از اطلاعات و اخبار موجود در سایت‌های اینترنتی به صورت گزینشی و بدون داشتن محدودیت‌های رسانه‌های دیگر - که بر خلاف اینترنت - عمدتاً یک سوپه‌اند، استفاده کنند (جلالی، ۱۳۷۹، ص ۹۶).

اینترنت، با وجود گستردگی و پیچیدگی‌اش رسانه‌ای بسیار شخصی و خصوصی است. اینترنت از طریق پست الکترونیکی، ارتباط بین فردی از راه گروه‌های بحث و مانند آن (که ممکن است کاملاً آزاد، یا محدود به اعضا باشد)

گفتگو و تبادل نظر را تسهیل می‌کند، و نیز دسترسی یک به چند به اطلاعات را - عمدتاً از طریق وب - ممکن می‌سازد. اما حتی هنگامی که اینترنت به صورت مدل یک به چند عمل می‌کند، دارای قابلیت است که اساساً آن را از دیگر رسانه‌های گروهی متمایز می‌کند- این که همواره دارای پتانسیل تعاملی است، همین قابلیت تعاملی است که زمینه‌های تغییرات اجتماعی و اقتصادی متعاقب را برای آن فراهم می‌کند (دارنلی، ۱۳۸۴، ص ۴۷).

### اهمیت و نقش اینترنت

اهمیت اینترنت به عنوان ابزاری قدرتمند برای مشارکت در توسعه، به وسیله "جوزف استیگلیتز" Joseph Stiglitz اقتصاددان ارشد قبلی بانک جهانی در اولین کنفرانس شبکه توسعه که در "بن" آلمان در دسامبر ۱۹۹۹ برقرار شد؛ مورد تأکید قرار گرفت وی خاطرنشان کرد؛ که در کار توسعه این شبکه عظیم، هم موقعیت‌ها و هم خطراتی وجود دارد. از جنبه خطرات، رشد اینترنت در ایالات متحده و دیگر کشورهای توسعه‌یافته بسیار بیشتر از کشورهای در حال توسعه بوده است. این مسئله ممکن است اینترنت را به صورت ابزاری برای افزایش و نه کاهش شکاف بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه درآورد. امروزه هر کودکی در هر نقطه از دنیا که به اینترنت دسترسی داشته باشد؛ کتابخانه جدید "الکساندریا" را در دسترس خود دارد. "استیگلیتز" معتقد به این رویکرد است؛ که "جهانی‌بنگرید و محلی دوباره آفرینی کنید." به عبارت دیگر دانش جهانی کسب شده از مخازن کنونی، مانند کتابخانه‌های بزرگ، بانک‌های اطلاعاتی و دیگر منابع دانش، که به وسیله اینترنت در دسترس است؛ باید نهادینه گردد؛ دوباره کشف شود و به موقعیت‌های محلی بازگردانده شود.

فن‌آوری جهانی اینترنت و اختراعات محلی و موضوعات ایجاد شده در آن، آینده‌ی اصول جهانی - محلی توسعه، در رابطه با درک دانش و کاربرد آن است. در نتیجه اینترنت به عنوان مظهر اصل جهانی - محلی می‌تواند؛ به وسیله هر کشوری و یا منطقه‌ای برای جمع‌آوری دانش جهانی و برگرداندن آن به وضعیت محلی به کار گرفته شود. این مسئله به کاربران در کشورهای در حال توسعه بستگی دارد؛ که کاربردهایی را ایجاد نمایند؛ که قادر به اجرای مسئله بومی سازی به روشی بهینه، بر اساس نیازهای خود آنها باشد. (mcknight and cukor, august 2001)

### اینترنت و توسعه سیاسی

در عصر کنونی به دلیل پیچیدگی اجتماعی ماهیت یافتن نقش رسانه‌های جمعی در ایجاد روابط افقی و عمودی در جوامع، کاربرد این وسایل در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بیش از پیش چشمگیر شده است. بشر در هیچ زمانی از تاریخ خود، به اندازه دوران حاضر سیاسی نبوده است و به احتمال زیاد می‌توان گفت یکی از عوامل مهم سیاسی شدن مردم، گسترش وسایل ارتباط جمعی بوده است. رسانه‌های گروهی با انعکاس اخبار و اطلاعات مربوط به رویدادها و مسایل اجتماعی در واقع میان مردم ارتباط برقرار کرده است و آنها را نسبت به مسایل یکدیگر مطلع می‌سازند. این کارکرد به خصوص در تصمیم‌گیری‌های سازگار با برنامه‌های زندگی برای مخاطبان رسانه‌ها یا مردم تا آن حد سودمند است که می‌توان از آن با نام شریان حیات اجتماعی یاد کرد. رسانه‌ها قادرند با انعکاس نظرات انتقادی و عقاید مردم و مسئولان، میان دست‌اندرکاران امور حکومت و مردم ارتباط عمومی برقرار سازند. این کارکرد که مستقیماً به مشارکت سیاسی مردم در جوامع دموکراتیک مربوط می‌شود، اثر مستقیمی در افزایش یا کاهش مشروعیت سیاسی هیئت حاکمه، از طریق توجه به حل مشکلات مطرح شده خواهد داشت. به‌طور کلی رسانه‌های گروهی همچون تیغ دودم هستند که می‌توانند در راه تثبیت گام بردارند و هم قادر به ضربه زدن به آن هستند، چنانکه می‌توانند همگنی و پیوستگی به‌وجود آورند و قادر به وسعت بخشیدن و ژرف ساختن شکاف‌های اجتماعی نیز هستند و می‌توانند بشارت دهنده‌ی توسعه باشند و بذر ایدئولوژی ضد توسعه را در فضای جامعه بپراکنند. امکان این نیز وجود دارد که حس امنیت کاذبی که رسانه‌ها به احتمال القاء می‌کنند غالباً ذهن‌ها را از مسایل عینی دور می‌سازد.

دیدگاه‌های توسعه زمانی که با نظریه‌های ارتباطی آمیخته می‌شوند زیبایی‌ها و چالش‌هایی را به وجود می‌آورند که در نوع خود قابل ارزیابی و بررسی‌اند، به خصوص دیدگاه‌های سیاسی که جذابیت‌های رسانه‌ای را بیشتر می‌کند، زیرا کارکرد رسانه‌ها به سیاست نزدیک است هیچ سیاست و حکومتی بدون نظارت، کنترل و حمایت رسانه‌ها نمی‌تواند شکل بگیرد و پایدار باشد. این امر به دلیل ارتباط تنگاتنگی است که وسایل ارتباط جمعی با افکار عمومی دارند و نهایتاً فکر خود را برخاسته از افکار عمومی و برای آن می‌دانند. در واقع حکومت‌هایی که بر مبنای دموکراسی عمل می‌کنند چون محتاج آراء مردمی‌اند مجبورند امتزاج و نزدیکی را با وسایل ارتباط جمعی برقرار کنند. ما معتقدیم که تأثیر رسانه‌ها در تحولات سیاسی و اجتماعی کشورها همچنان ادامه خواهد داشت. امروزه ما شاهد رسانه‌های اینترنت و ماهواره هستیم که مرزهای سیاسی را کم رنگ کرده و نهایتاً تأثیراتی را به دنبال داشته است. با این اوصاف تا زمانی که ما از الگوی توسعه تعریف خاصی نداشته باشیم نمی‌توانیم رسانه‌ها را در مسیر توسعه هدایت کنیم.

(حال و آینده رادیو، ۱۳۸۵، ص ۲۳۳).

"لوسین پای"، نظریه پرداز توسعه سیاسی در آمریکا، هنگامی که در مورد نقش و کارکرد رسانه‌ها، به خصوص در جریان توسعه سیاسی بحث می‌کند، یکی از موارد مشخص آن را کاهش عوارض روانی توسعه می‌داند، زیرا بر این باور است که هر توسعه‌ای، مجموعه‌ای بی‌هنجاری و بحران به وجود خواهد آورد که در واقع از مقتضیات تغییر است برای اینکه گروه‌ها در مورد از دست رفتن هویت، ارزشها و... احساس خطر خواهند کرد و حکومت خود را ناتوان از برآورده کردن تقاضاهای عمومی دانسته و از جانب داخل و خارج احساس خطر می‌کند. اینها عوارض و بحرانهایی هستند که توسعه را تهدید می‌کنند. به این دلیل گفته می‌شود که دوران گذرا باید دوران نقد باشد، چون در این دوران حکومت‌ها با احساس خطر گروه، حتی موجودیت خود را در معرض تهدید می‌بینند. برای رسیدن به توسعه سیاسی باید هزینه‌هایی را پرداخت. حکومت و ملت باید سهم خود را از این هزینه‌ها بپردازند. چرا که بدون پرداخت هزینه نمی‌توان به توسعه رسید اما رسانه‌ها می‌توانند با آموزش، اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به عرصه کشاندن نخبگان، درگیر ساختن افراد با مباحثه‌های آزاد و عقلایی، متقاعدسازی، اعتمادسازی و ایجاد یک پل ارتباطی کارآمد بین حکومت و مردم این هزینه‌ها را به حداقل برسانند. در حال حاضر این پل ارتباطی وجود ندارد.

صاحب نظران علوم سیاسی معتقدند که اینترنت در بعد توسعه سیاسی آثار مثبتی چون انتشار و کسب آزادانه اطلاعات، تاثیر گسترده بر افکار عمومی و جهت دهی به آن اصطلاحات ساختاری کلی و جزئی در جوامع، دموکراسی الکترونیکی، ساماندهی انتخابات و.. به دنبال داشته است.

تبعات منفی نفوذ اینترنت در توسعه سیاسی هم مواردی چون تهدید حاکمیت ملی، کوچک شدن حریم انسان هاست؛ همچنین تحت تاثیر آن مفهوم دولت تغییر کرده و مفهوم جهان چند مرکزی (نظریه مرکز - پیرامونی) جایگزین جهان دولت محوری شده است؛ به طوری که با گسترش اینترنت عده‌ای از دانشمندان نظریه پایان جغرافیا را مطرح کرده اند. حریم شخصی انسانها نیز کوچک شده است و بر خلاف انتظار و تصور همگان محدوده و حیطه کنترل دولت‌ها گسترش یافته است.

### اینترنت و مشارکت سیاسی

دولتها شدیداً به سمت به کارگیری کاربرهای دولتی اینترنت پیش می‌روند. در کشورهای پیشرفته، دولت سایت‌های ورودی برای دسترسی مراجعان و شهروندان به اطلاعات و خدمات آنلاین را توسعه داده‌اند ("موسو، ویر و همکاران" ۱۹۹۹، (A. C. wearer, et al. Musso, J)؛ "گانت و بورلی" ۲۰۰۲ (D. Burley & Gant, J. p)؛ "وست" ۲۰۰۲، (West, D. M)).

اخیراً دولت‌ها اقدام به توسعه‌ی اساسی این تلاش‌ها در کنار دیگر فعالیت‌ها، به وسیله‌ی ایجاد ورودی مرکزی قواعد دولتی برای تسهیل مشارکت در تمامی تصمیم‌گیری‌های دولت کرده‌اند (۲۰۰۳ "بروندون و کارلیتز" Brandon, )

(Carlitz, B. H. and R. D)، همچنین مؤسسات دولتی در سراسر دنیا، حضور آن لاین خود را گسترش داده‌اند ("نوریس" (Norris, P)، "لاپورت، دمچک و همکاران" ۲۰۰۲ (Dem chak Laporte, T. M. CC)، این پذیرش فناوری، بیانگر آن است که کارگزاران برگزیده و گردانندگان سطح بالای دولت، تحت تأثیر پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه‌ی فن‌آوری قرار گرفته‌اند که توانایی فن‌آوری در کارآترکردن و جوابگو بودن دولت را ستوده و مشارکت شهروندان را با جذاب‌تر ساختن اطلاعات سیاسی، کاهش هزینه‌های مشارکت و خلق موقعیت‌های بیشتر برای درگیر شدن در آن تقویت می‌کنند ("گراسمن" ۱۹۹۵، (Grossman, L. K)، ؛ "نگروپونت" Negroponte, (1995, N)، "کانسیل" ۲۰۰۲، (Council, N. R)).

بحث عمده بر تأثیرات اینترنت و دیگر اطلاعات و فن‌آوری‌های ارتباطی بر مشارکت سیاسی به عنوان رقابتی بین نظریه‌های تقویت و بسیج، به صورت گسترده‌ای شکل گرفته است ("دن زیگر" (Danziger, J. N)؛ داتون و همکاران، ۱۹۸۲؛ نوریس، ۱۹۹۹). "فرضیه‌ی تقویت" بیان می‌دارد که فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات، از توزیع کنونی قدرت سیاسی حمایت می‌کنند. به دلیل آنکه اشخاص و گروه‌های مؤثر که در حال حاضر در روند سیاسی فعال هستند، قادرند انتشار، طرح و استفاده از فن‌آوری‌های جدید را کنترل و از علائق پایدار خود حمایت کنند. در مقابل آن، "فرضیه بسیج" استدلال می‌کند که علی‌رغم تلاش‌های نخبگان، فن‌آوری‌های ارتباطی جدید، هزینه ارتباطات و درک اطلاعات را کاهش داده و موقعیت‌های جالب تری را برای مشارکت ایجاد می‌کند. بنابراین، باعث تقویت گروه‌های جدید و افزایش مشارکت مردم‌سالارانه می‌شود و شبکه‌های سیاسی‌ای را می‌گشاید که در غیر این صورت، به سختی قابل نفوذ بودند. تحقیق در مورد ابتکارات قبلی فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات مانند کامپیوترها، شبکه‌های عادی و کابلی تلویزیونی، در بیشتر مواقع از "فرضیه‌های تقویت" حمایت نموده‌اند (دن زیگر، دوتون و همکاران، ۱۹۸۲؛ "دوتون، بلامر" (Dutton, W., J. Blumler) و همکاران، ۱۹۸۷؛ آبرامسون" (Abramson, J. R)، آرترتون و همکاران، ۱۹۸۸ (Arterton, P et al)؛ "استریتر" ۱۹۹۷ (Steeter, T)).

اینترنت صحنه‌ای بدون مارک برای ارتباطات است که کاربردهای متنوعی دارد و به صورت بالقوه با رسانه‌های معمول مانند تلویزیون، فناوری‌هایی مانند تلفن، ارتباطات گروهی مانند کنفرانس تصویری و فناوری‌های جمع‌آوری اطلاعات مانند سنجش افکار به وسیله تلفن رقابت می‌کند ("وی‌یر" ۲۰۰۲ (Weare)). در همان زمان، مشارکت مردم سالارانه، شامل انواع گوناگونی از سازمان‌های واسطه (مثلاً احزاب سیاسی، گروه‌های علاقه‌مند) اعمال مشارکتی (مانند رأی دادن، کار مبارزاتی، تماس با مسئولان) و اهدافی برای تأثیرگذاری (مانند نمایندگان سیاسی و مسئولان سازمانی در سطح محلی و ملی) می‌شود (نوریس ۲۰۰۲).

### کشورهای توسعه نیافته و توسعه اینترنت

اهمیت گسترش دسترسی کشورهای درحال توسعه به اینترنت به وسیله‌ی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و صاحب‌نظران و کارشناسان ارتباطات و توسعه مورد تأیید قرار گرفته است. عقیده اکثریت قریب به اتفاق آن است؛ که اینترنت و فن‌آوری‌های وابسته ارتباطات دور می‌باید؛ به عنوان زیر ساخت ملی، استراتژیک قلمداد شود. برقراری چنین زیرساخت‌های استراتژیکی برای کشورهای درحال توسعه حیاتی به نظر می‌آید. به طوری که ارتباطات می‌تواند؛ باعث بهبود بهره‌وری اقتصادی، حاکمیت، آموزش، بهداشت و سلامتی و کیفیت زندگی خصوصاً در مناطق حاشیه‌ای شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد؛ که اتصالات وسیع‌تر در درون کشورهای درحال توسعه باعث بهبود زیرساخت اطلاعات کلی در این کشورها می‌شود؛ و در نتیجه تغییرات مثبتی را در بهبود سیاسی- اقتصادی ایجاد می‌کند.

به نظر می‌رسد جریان نابرابر اطلاعات بین کشورهای مرکز و پیرامون به عرصه تکنولوژی‌های ارتباطی و از جمله اینترنت کشیده شده و مشکلات موجود به دغدغه جوامع مختلف به ویژه جوامع توسعه نیافته تبدیل شده است.

آمریکا محوری یکی از این مشکلات است؛ از لحاظ کاربران اینترنت، پایگاهها و جهت جریان ترافیک اینترنتی این کشور بیشترین سهم را دارد که این سهم در سیاستگذاری ارتباطی هم نمود پیدا کرده است. توزیع کاربران اینترنتی هم نا برابر است و در مواردی عدم توازن در این زمینه بسیار مشهود است؛ به عنوان مثال بر اساس آمارها در فرانسه تعداد میزبانان به اندازه تمامی آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب است همچنین استفاده کنندگان اینترنت در نیویورک بیش از کاربران قاره آفریقا است. کمبود زیر ساختها مانع بزرگی در افزایش دسترسی به اینترنت در جوامع توسعه نیافته است که تجدید نظر در سیاستگذاریهای ارتباطی به ویژه در حوزه تلفن و... را ضروری ساخته است. عامل دیگر غالب بودن زبان انگلیسی در اینترنت است، بر اساس نتیجه یک تحقیق که توسعه موسسه internet society بیش از ۸۰ درصد صفحات اینترنت انگلیسی است در حالی که فقط زبان مادری ۵۷ درصد کاربران انگلیسی است. غلبه انزوای فیزیکی و روانی عامل مهمی در این زمینه است و اغلب کشورهای در حال توسعه به دلیل مشکلات مذکور از انزوای اقتصادی و کمبود اطلاعات رنج می‌برند.

### نتیجه گیری

تکنولوژی اینترنت با تمام جنبه‌های مختلفی که دارد، به عنوان برترین و شاخص‌ترین نماد ارتباطات مدرن در قرن ۲۱ مطرح است که فضای حاکم بر آن، لزوم بازنگری در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، و مخصوصاً سیاسی را لازم می‌دارد. از مجموع مباحث ارائه شده میتوان دریافت که مطالعه درباره اینترنت، سیاست، و توسعه سیاسی از فعال ترین حوزه های تحقیق و مطالعه در ارتباطات سیاسی به شمار می‌آید. در این حوزه مطالعاتی تعداد روزافزونی از پژوهشگران اینترنت را با توجه به ویژگیهایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسور گریزی، فضای مناسبی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی در جوامع پیشرفته و تقویت مردم سالاری جوان در جوامع در حال توسعه می دانند. در مجموع می‌توان گفت که اینترنت بستری مناسب برای گسترش توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی است، رسانه‌های جدیدی مثل اینترنت، مهارتها و عوامل تازه‌ای را در مبارزات سیاسی وارد کرده اند. استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی ممکن است آثار مربوط به توزیع مجدد را هم داشته باشد و نفوذ نسبی گروه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی را در جامعه تغییر دهد. دسترسی متفاوت به رسانه‌های الکترونیکی توسط گروه‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی می‌تواند منجر به نابرابری در دسترسی به دیگر منابع سیاسی شود. تقویت زیر ساخت‌های ارتباطی مانند: تلفن و... پشتیبانی دولت‌ها از کاربران اینترنت، افزایش مشارکت بخش خصوصی، ارتقای بازار رقابتی خدمات اینترنتی، فراهم کردن آدرس مجازی پست الکترونیک برای تمام شهروندان، ایجاد زمینه دسترسی قابل قبول برای مدارس، دانشگاهها، کتابخانه‌ها و سایر موسسات علمی، پژوهشی و... عمومی، باز شدن بازارهای ارتباطات راه دور بر روی طیف وسیعی از سرمایه گذاران در کشورهای توسعه نیافته و مواردی از قبیل راهکارهایی برای گسترش اینترنت به ویژه در کشورهای در حال توسعه و کاهش نابرابری‌های موجود است.



فهرست منابع:

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی توسعه، چاپ سوم، تهران، نشر کلمه.
- امین زاده، محسن؛ توسعه سیاسی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های ۱۱۸-۱۱۷، ۱۳۷۶.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴). جامعه شناسی سیاسی. تهران: نشرنی.
- جلالی، علی‌اکبر (۱۳۷۹). "نقش اینترنت در جهان آینده". پژوهش و سنجش، سال هفتم، شماره ۲۱ و ۲۲. صص ۹۶-۱۱۰.
- "حال و آینده رادیو"، مرکز مطالعات و تحقیقات رادیو، ۱۳۸۵
- حقیگوی، احسن (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین استفاده از اینترنت و گرایش جوانان به مشارکت در سیاست، پایان نامه کارشناسی ارشد ارتباطات: دانشگاه تهران
- دارنلی، جیمز (۱۳۸۴). جهان شبکه‌ای: درآمدی بر نظریه و عمل در باب جامعه اطلاعاتی، ترجمه نسرين امین دهقانی و دیگران. تهران: چاپار.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: موسسه کیهان.
- ساعی، منصور، نقش اینترنت، در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه. بازبایی شده از: <http://www.hccmr.com/news-468.aspx>
- سیف زاده، سیدحسین؛ نظریه های مختلف درباره راههای گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: توس، ۱۳۷۵.
- عبد العلی قوام، توسع سیاسی و اداری، تهران، انتشارات، قومس، ۱۳۷۱
- علاقه بند، علی؛ جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: روان، ۱۳۷۹.
- فرقانی، محمد مهدی، (۱۳۸۲)، تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران، فصلنامه رسانه، سال چهارم، شماره دوم، تابستان
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی. تهران: دیدار.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۵). ارتباطات و توسعه و توسعه ارتباطات در ایران (مجموعه مقالات). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- میناوند، محمدقلی، اینترنت و توسعه سیاسی: حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک، پژوهش علوم سیاسی، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۵، صص ۱۴۶-۱۱۹
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم، ۱۳۷۰

- Bimber, B. (1998). "The Internet and political transformation: populism, community, and A celebrated pluralism." *Polity* 31 (1): 133-160.
- Council, N. R. (2002). *Information technology, research, innovation, and government* Washington, D. C., National Academy press.
- Dahlberg, L. (2001). "The internet and democratic discourse". *Information, communication, and society* 4: 615-633.
- Davis, R (1999). *The web of politics: the internets impact on the American political system* New York, oxford University press.
- Laporte, T. M. CC. Dem chak, et al (2002). (democracy and bureaucracy in the age of the web: Empirical findings and theoretical speculations". *Administration & society* 34 (4): 411 - 446.
- Musso, J. A. C. wearer, et al. (1999). "Designing web technologies for local Governance reform: Good management or Good democracy?" *Political communications* 17 (1): 1-19.
- Norris, P. (2002). *Democratic phoenix: political activism world wide*. New York, Cambridge university press.
- Rush, Michael (1992), *politics and society an introduction to political sociological*, London: prentice Itall.
- Weare, C. (2002). "The internet and democracy: the causl links between technology and politics". *International Journal of public Administration* 25 (5): 659-692.